

## دنیای کاغذی (قسمت سوم)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی دکتر فرید رشیدیانی

همه ما روزگاری کودک بوده ایم و شاید بسیاری از خاطرات دوران کودکی و نوجوانی را هنوز گاهی به خاطر می آوریم؛ خاطراتی که گاه بسیار شورانگیز و شادی بخش بوده اند و گاهی هم بسیار تلخ. گاهی که خاطرات شورانگیز و شادی بخش کودکی و نوجوانی خود را مرور می کنیم، ریشه موفقیت یا حرکتی را که باعث رهایی مان از مشکلی در مراحل کنونی زندگی مان شده است، در آن دوران بیابیم و گاهی هم وقتی به نقطه یا نقاط ضعف، شکست یا سرخوردگی در مراحل کنونی زندگی خود فکر می کنیم، ناخودآگاه ذهن ما به سمت و سوی خاطرات تلخ گذشته کودکی و نوجوانی برمی گردد.

افرادی که در معرض برخوردهای تلخ، در دوران کودکی و نوجوانی قرار گرفته اند، بهتر از هر کس دیگری می توانند ارتباط سرخوردگی های کنونی را با گذشته زندگی شان درک کنند؛ خصوصاً آن دسته از افرادی که به مسائل و مشکلات خود پی می برند و در جهت رفع و حل مشکلات شخصیتی، روحی و روانی خود تلاش می کنند.

البته افرادی هم هستند که در دوران کودکی و نوجوانی، درگیر برخوردهای تلخ در زندگی شان

شده، اما توان رویارویی و شناخت مشکلات خود را نداشته‌اند و بعدها به سبب همان مشکلات، صدمات بیشتری هم در جامعه دیده‌اند؛ صدماتی که نتیجه آن پیدایش افرادی است که ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین اصول اخلاقی را در قبال خود، خانواده و جامعه نادیده می‌گیرند و مشکلات خاصی را به مرور زمان برای خود و جامعه به وجود می‌آورند که در بسیاری موارد، جبران‌پذیر نیست.

کودکان و نوجوانان نیاز دارند که در طول دوران کودکی و نوجوانی‌شان، والدینی قاطع، مهربان، مقتدر و با منطق از آن‌ها مواظبت و پشتیبانی کنند. ناپختگی و شخصیت ناکامل والدین، روی کودک یا نوجوان اثر منفی می‌گذارد، روحیه‌اش را متزلزل می‌سازد و باعث می‌شود که وحشت و اضطراب در درونش رخنه کند. باتوجه به مطالب مذکور، آگاهی دادن به والدین در مورد رفتار و برخورد منطقی و درست با فرزندان‌شان، می‌تواند مؤثرترین عامل در جهت بهبود اوضاع اجتماعی

آینده فرزندان، و افراد جامعه ما باشد. درواقع، شرایط مناسب در خانواده است که به فرد اجازه می‌دهد تا دنیا را روشن‌تر و آگاهانه‌تر ببیند و هنر دیدن، عشق ورزیدن، آفریدن و هنر بودن را بیاموزد.

در نظر بگیرید در مکانی کاملاً ایده‌آل و به دور از هر دغدغه‌ای، تعداد انبوهی کتاب در زمینه‌های مختلف، در اختیار کودک یا نوجوانی قرار دهند. در صورتی که کودک یا نوجوان هیچ انگیزه‌ای برای مطالعه و خواندن کتاب نداشته یا انگیزه مطالعه چنین فردی بنا به شرایط مختلفی کم شده باشد، آن فضا و آن همه کتاب می‌تواند روی کودک یا نوجوان تأثیر بگذارد.

چرا فضای کتابخانه‌ها مهم هستند؟ چرا یک کتابدار می‌تواند مهم‌ترین نقش را در جذب کودک یا نوجوان برای مطالعه و انس با کتابخانه داشته باشد؟ ایجاد زمینه‌های متفاوت آموزشی برای والدین، در مورد برخورد مناسب با فرزند یا فرزندان‌شان، چرا مهم است؟ آموزش و پرورش و تحصیل در مدارس، چگونه می‌تواند دانش آموزش را در مقاطع مختلف، به کتاب و کتابخانه نزدیک کند و پیوندی همیشگی و ناگسستگی میان آن‌ها به وجود آورد؟

«کتابخانه باید محیطی باز، جذاب، دلپذیر و شوق‌انگیز برای کاربران در هر سن و سالی که باشند، فراهم سازد. اهمیت حیاتی و نقش بسزای کتابخانه در پیشبرد اهداف آموزشی مدرسه، در میزان و نوع

فضا، تجهیزات و وسایلی منعکس می‌شود که به آن تخصیص می‌یابد. بنابراین، لازم است هنگام برنامه‌ریزی برای احداث یا گسترش مدارس، به اهمیت نقش کتابخانه توجه و تجهیزات و فضای مناسب و مستقلی برای آن پیش‌بینی شود. محل کتابخانه مدارس باید مرکزیت داشته و در صورت امکان در طبقه همکف باشد. محل کتابخانه باید طوری انتخاب شود که تا جای ممکن، به یک نسبت و فاصله در دسترس تمام کلاس‌ها و واحدهای آموزشی قرار گیرد. فضای کتابخانه باید با نیازهای دانش‌آموزان معلول متناسب باشد و هر جا ضرورت ایجاد کند، شیب راه (رَمپ)، درهای خودکار، نشانه‌های برجسته (مانند بریل) در آن تعبیه شود. لازم است فضای داخلی کتابخانه‌ها نیز از این موارد برخوردار باشد:

۱. فضای کافی برای استقرار میز مرجع، فهرست‌ها، تجهیزات کامپیوتری، میزهای مطالعه و پژوهش انفرادی، منابع مرجع و مجموعه‌های پایه

**ناپختگی و شخصیت ناکامل والدین،  
روی کودک یا نوجوان اثر منفی می‌گذارد،  
روحیه‌اش را متزلزل می‌سازد  
و باعث می‌شود که وحشت  
و اضطراب در درونش  
رنخه کند.**

**اهمیت حیاتی و نقش بسزای کتابخانه در  
پیشبرد اهداف آموزشی مدرسه،  
در میزان و نوع فضا، تجهیزات  
و وسایلی منعکس می‌شود که  
به آن تخصیص  
می‌یابد.**

۲. فضای مناسب برای مطالعه پایندها و کتاب‌هایی که مشوق سوادبایی، فراگیری مادام‌المعر، رشد فرهنگی و خواندن برای سرگرمی هستند.

۳. فضای کافی و متناسب با تعداد دانش‌آموزان، برای مشارکت در برنامه‌های فوق درسی و گردهمایی‌های کوچک، همراه با تجهیزات کمک آموزشی مناسب

۴. فضای کافی برای انجام پروژه‌های گروهی، فعالیت‌های عملی، نشست‌های گروهی یا کلاسی و تسهیلاتی برای تولید مواد و رسانه‌های مختلف

۵. فضا و تجهیزات برای نمایش آثار و پروژه‌های دانش‌آموزان، منابع آموزشی مرتبط و آثار و دستاوردهای معلمان

۶. فضاهای اداری و کاری برای امانت، استقرار کارمندان، پردازش منابع کتابخانه، نگهداری تجهیزات دیداری و شنیداری، نگهداری ملزومات و وسایل اداری.»

کودکان و نوجوانانی که با شرایط نامناسب و نامتعادل خانوادگی روبه‌رو می‌شوند، قطعاً دچار افت تحصیلی خواهند شد. افت تحصیلی بیشترین ضربه را از لحاظ روحی به کودک یا نوجوانان وارد می‌کند؛ خصوصاً اگر علاوه بر محیط نامساعد خانوادگی، محیط مدرسه، معلمان و دوستان نیز نتوانند برخورد درستی با موقعیت و وضعیت به وجود آمده نسبت به کودک یا نوجوان داشته باشند، مسائل بیشتری هم دامن‌گیر او می‌شود. از جمله این مشکلات، می‌توان به انزوا و دوری کودک یا نوجوان از محیط مدرسه و کلاس درس اشاره کرد. در صورتی که نقش و کارکرد کامل و درستی از کادر و پرسنل مدارس، در مقاطع مختلف داشته باشیم، در شرایطی که کودک یا نوجوانی با مشکل مواجه شود، مدرسه با روش درست ارتباطی‌اش با دانش‌آموز، می‌تواند مشکل او را حل کند و در همان نقطه شروع، مشکل دانش‌آموز را به سمت و سویی درست هدایت کند. چه بخواهیم و چه نخواهیم، کودکان و نوجوانان جامعه در محیط خانواده، بیرون از محیط خانواده، در مدرسه و در هر جایی که حضور پیدا می‌کنند، امکان دارد که با مسائل و خطرهای اجتماعی روبه‌رو شوند. پس نمی‌توانیم که این خطرها یا بحران‌ها را از آن‌ها همیشه دور نگه داریم، اما می‌توانیم قبل از شروع بحران، با وسایل مختلف آموزشی، از جمله کتاب و محیط کتابخانه، به ایشان با زبانی درست و شفاف آموزش دهیم. در مرحله بعد، اگر دانش‌آموز با مشکل مواجه شد، احتمال این که راهکاری درست برای حل مشکلات وجود داشته باشد تا صدمات جبران‌ناپذیر بعدی به او وارد نشود، بسیار خواهد بود.

از سیستم درست و نقش و کارکرد کامل پرسنل مدارس سخن گفتیم. شرایطی را در نظر می‌گیریم که دانش‌آموز با مشکل مواجه شده است و در محیط خانوادگی فضا و اوضاع نامناسبی وجود دارد؛ محیطی که کاملاً دانش‌آموز را دچار اضطراب، استرس، ترس و عدم امنیت کرده است. دانش‌آموز بنا به آن شرایط خانوادگی، دچار افت تحصیلی شده است و یا هیچ انگیزه‌ای برای تحصیل، درس خواندن و رقابت تحصیلی ندارد. وقتی کادر مدارس و سیستم تحصیلی مدارس، مشاور یا راهنمایی متخصص داشته باشند، می‌تواند مشکل دانش‌آموز را ریشه‌یابی و سپس آن را برطرف کند. توجه داشته باشیم که متخصص نه در قالب فردی که همه ذهن و حضورش فقط درگیر اتمام ساعات کاری است و آن شغل را به عنوان شغلی در حد بهتر از بی‌کاری قلمداد می‌کند، بلکه فردی که به عنوان یک مسئول مهم اجتماعی به آن‌جا آمده است و همه فکر و قدرت علمی‌اش را در ساعات کاری، در اختیار بهبود اوضاع دانش‌آموزانی که با مشکل یا مشکلات مواجه شده‌اند، می‌گذارد. او با برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی‌های درست، آن‌ها را به امنیت و آرامش خاطر می‌رساند و با همکاری سایر پرسنل مدرسه، به موقعیت و وضعیت فرد سامان‌دهی می‌دهد. چنین فردی با آموزش، انگیزه و قدرت حرکت را در راستای تحصیل و کسب موفقیت برای او به وجود می‌آورد. مشاور یا راهنمای متخصص، می‌تواند بعد از بررسی و دستیابی به بهترین شیوه برای رویارو کردن دانش‌آموز با واقعیات موجود، نزدیک‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای حل مشکل و ایجاد راهکاری علمی برای پیشرفت دانش‌آموز فراهم سازد.

به عنوان مثال، دانش‌آموزی دچار افت تحصیلی می‌شود و نیز از فعالیت‌های گروهی و ورزشی فاصله می‌گیرد. پرسنل مدرسه با توجه به راهکارهای کاملاً علمی، باید مسیر ارتباط دانش‌آموز را با مشاور متخصص آماده سازند. این ارتباط می‌تواند به وسیله معلمان، معاونان یا مدیر مدرسه صورت

## همکاری و ارتباط تنگاتنگ بین معلمان و

کتابدار مدرسه،

برای گسترش و

ارتقای خدمات

کتابخانه‌ای

ضروری است.

خدمات کتابخانه

مدرسه، ناظر بر

همه اعضای

جامعه مدرسه از جمله

دانش‌آموزان، معلمان،

مدیران، مشاوران و

همچنین اولیای

دانش‌آموزان است.

در حالی که

جزو کشورهای

در حال رشد و توسعه

به شمار می‌رویم،

آموزش و پرورش ما در

سطح سنتی

قدم برمی‌دارد

که برای چنین جامعه‌ای

جوابگو نیست.

گیرد. مشاور از طریق گفت‌وگو با دانش‌آموز، متوجه می‌شود که دانش‌آموز با مسئله اعتیاد یکی از والدین روبه‌رو شده است. دعوای خانوادگی، فحاشی‌های مکرر، کتک‌کاری و تهدیدهای مختلف در خانه آن دانش‌آموز، فضا را تخریب کرده است. مشاور مطمئن می‌شود که ارتباط برقرار کردن با خانواده دانش‌آموز، برای کمک به بهبود اوضاع دانش‌آموز در چنین شرایطی، عملاً غیرممکن است و هیچ فایده‌ای هم نخواهد داشت.

در این وضعیت، کمک و همکاری کتابدار متخصص مدرسه، می‌تواند بسیار مفید واقع شود. کتابدار در جریان وضعیت حساس دانش‌آموز قرار می‌گیرد، کتاب‌های متعدد و مختلفی به دانش‌آموز معرفی و به وسیله برخورد مناسب خود، او را جذب محیط کتابخانه می‌کند. او منابع و کتاب‌ها را در اختیار دانش‌آموز قرار می‌دهد و دانش‌آموز با مطالعه کتاب‌ها، با واقعیات موجود مواجه می‌شود.

اما نکته مهم‌تر این است که او در ذهن جست‌وجوگر خود، آرام‌آرام با راهکارهای شخصیت‌کتاب همسویی پیدا می‌کند. او امیدوار می‌شود و در جهت بهبود اوضاع خود تلاش می‌کند. از طرفی، مواجه شدن دانش‌آموز

با برخوردهای علمی و تخصصی کادر مدرسه، در کنار

تغییر اوضاعی که به وسیله تلاش خود دانش‌آموز صورت می‌گیرد، باعث پیوندش با

مدرسه می‌شود و احساس نداشتن تکیه‌گاه، به مرور از وجودش دور خواهد شد. به این ترتیب، امنیت روانی نسبی دانش‌آموز بازمی‌گردد و او می‌آموزد که باید واقعیات را بپذیرد و راه حلی مناسب برای آن‌ها بیابد. دانش‌آموز به تدریج با مطالعه و راهنمایی‌های کتابدار، متوجه می‌شود که توانایی‌های زیادی دارد و اگر آن‌ها را کشف کند، بسیار موفق خواهد بود. از طرفی، دانش‌آموز اعتماد به نفسش را کشف می‌کند و متوجه می‌شود که می‌تواند حرکت کند و این آغاز شکست‌ناپذیر شدن دانش‌آموز، در مواجهه با ناملایمت‌های مختلف زندگی است.

«کتابخانه مدرسه باید امکان دستیابی

کاربران را به مجموعه‌ای گسترده و غنی در

زمینه‌های درسی و آموزشی، اطلاعات عمومی

و خودسازی فراهم آورد. این مجموعه باید به

صورت مستمر و براساس سیاست‌های مدون

کتابخانه، رشد و گسترش یابد تا کاربران بتوانند

همواره به منابع تازه دسترسی داشته باشند. لازم است مجموعه

کتابخانه، توسط کتابداران متخصص و براساس نظام‌های معتبر کتابداری سازمان‌دهی و نگهداری شود. این امر پیوستن کتابخانه را به شبکه‌های محلی یا ملی و فهرستگان‌ها تسهیل می‌کند و امکان شرکت و همکاری کتابخانه‌های مدارس هر منطقه را در برنامه‌های اشتراک منابع و اشتراک خدمات فنی، در جهت بهینه‌سازی امکانات فراهم می‌آورد. مسئول کتابخانه مدرسه، کتابدار واجد شرایطی است که مسئولیت برنامه‌ریزی و اداره کتابخانه مدرسه را برعهده دارد و ضمن برخورداری از کارمندان کمکی به تعداد کافی، با تمام اعضای جامعه مدرسه همکاری داشته و با کتابخانه‌های عمومی و سایر کتابخانه‌ها در ارتباط است. از این‌رو، ضروری است کتابخانه دارای کتابداران آموزش‌دیده و بسیار علاقه‌مند و کارآمد، به تعداد کافی و متناسب با اندازه مدرسه و نیازهای خدماتی خاص آن باشد. واژه «کتابداران» در این جا به معنای کتابداران و کمک کتابداران به کار رفته است که در سطوح مختلف آموزش دیده‌اند. کتابدار مدرسه باید محیطی جذاب، دلپذیر و بدون مانع برای یادگیری و اوقات فراغت همگان فراهم سازد. کارکنان کتابخانه باید رابطه دوستانه مبتنی بر حسن

تفاهم با کلیه کاربران، از جمله کودکان، نوجوانان و بزرگسالان داشته باشند. همکاری و ارتباط تنگاتنگ بین معلمان و کتابدار مدرسه، برای گسترش و ارتقای خدمات کتابخانه‌ای ضروری است. خدمات کتابخانه مدرسه، ناظر بر همه اعضای جامعه مدرسه از جمله دانش‌آموزان، معلمان، مدیران، مشاوران و هم‌چنین اولیای دانش‌آموزان است. تعامل موفقیت‌آمیز با تمامی این گروه‌ها، مستلزم داشتن مهارت در برقراری ارتباطات و نیز توانایی‌های خاص است.»

با گذشت زمان و نگاه دوباره دانش‌آموز مذکور به گذشته، توانایی‌ها و قدرت حل مشکلات را در خود به صورت یک نقطه قوی شخصیتی پیدا می‌کند، به آن‌ها می‌بالد و نگرش دقیقش او را متوجه معنا و مفهوم احساس مسئولیت می‌کند. رفتار و راهکارهای عملی و تخصصی که پرسنل مدرسه زمانی در قبال او داشته‌اند، باعث می‌شود که دانش‌آموز از حضور در مدرسه لذت ببرد و برای همیشه، آن تکیه‌گاه‌های مدرسه را از لحاظ اخلاقی الگوی خود کند. دانش‌آموز در ذهن و خاطراتش حرف‌ها و رفتارهای معلم یا معلمان، معاونان، مشاور متخصص و از همه مهم‌تر، کتابدار متخصصی که او را با دنیایی بسیار جذاب، قابل اعتماد، آرامش‌بخش و خودساز، برای همیشه پیوند زده است، مرور می‌کند.

نگرش دانش‌آموز که توانسته است بر مشکلات فائق آید، امروزه تحت تأثیر آن شیوه‌های اخلاقی و رفتاری

کسانی است که بهترین چیزها را به او هدیه داده‌اند و سرانجام هدف او در برخورد با افراد پیرامونش، چیزی جز رعایت حقوق فردی و اجتماعی افراد جامعه و کمک و همیاری در جهت ارتقا و بهبود وضعیت افراد جامعه‌اش نخواهد بود.

والدین لازم است به این نکته آگاهی پیدا کنند که امروزه دیگر نمی‌توانند مثل گذشته فرزندی داشته باشند و او را به دست واکنش‌های اجتماعی بسپارند؛ زیرا در گذشته نه

جامعه انسانی چنین وسعتی پیدا کرده بود و نه ابعاد انسانی به چنین سیستم پیچیده‌ای تبدیل شده بود. والدین باید تفکرات شخصی

خود را با تفکرات و عملکرد علمی کنونی، در تعریف از اجتماع و از جامعه انسانی مقایسه کنند تا شاید بتوانند به فاصله و ناپختگی‌های ارتباطی و رفتاری با فرزند یا فرزندان‌شان پی ببرند و در جهت رفع چنین مشکلی اقدام کنند. با در نظر گرفتن تعریف‌های علمی، والدین نه تنها در قبال به دنیا آوردن فرزند یا فرزندان‌شان مسئول هستند، بلکه در قبال پرورش صحیح و آینده او نیز مسئولند. عدم آگاهی، عدم آموزش و ناپختگی والدین از لحظه به دنیا آمدن فرزندان‌شان تا مراحل دادن مهارت‌های آموزشی، تربیتی و پرورش رشد جسمی فرزندان‌شان، می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به فرزندان‌شان بزند که بعدها چنین فرزندان، مشکلات شخصیتی خود را با عناوین گوناگون و از راه‌های مختلف، برپیکر جامعه انسانی وارد می‌آورند.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات جامعه انسانی کشور ما، عدم وجود تأمل فکری در قبال برخوردها، کارکردها، گفتارها و روش‌های زندگی مان است. حتی وقتی پی می‌بریم که آگاهی نداریم، یا اشتباه کرده‌ایم و باید بیاموزیم، باز هم اقدام نمی‌کنیم. احساس می‌کنیم وظیفه خود را انجام داده‌ایم و این حس احساس انجام وظیفه است که چون تبری تیز و بی‌رحم، همه جوانه‌ها و نقطه‌های عاطفی و ریشه‌ای را از میان جوامع انسانی قطع می‌کند؛ چنان که هرگز دیگر سر برنخواهند آورد. حداکثر تربیت و آموزش والدین، در دهه‌های اخیر به فرزند یا فرزندان‌شان، چیزی جز «کلاهت را دو دستی محکم نگه‌دار» نبوده است و یا به «هیچ کس و هیچ چیز اعتماد نکن» ... ریشه این همه بی‌اعتمادی، در جامعه انسانی ما از چیست؟ از کجاست؟ و تا کدام عرصه‌ها و تا کجا می‌خواهد

**والدین باید  
تفکرات شخصی  
خود را با تفکرات  
و عملکرد علمی کنونی،  
در تعریف از اجتماع  
و از جامعه انسانی  
مقایسه کنند  
تا شاید بتوانند  
به فاصله و  
ناپختگی‌های ارتباطی  
و رفتاری با فرزند یا  
فرزندان‌شان پی ببرند  
و در جهت رفع  
چنین مشکلی  
اقدام کنند.**

**کتابخانه مدرسه  
باید امکان دستیابی  
کاربران را به  
مجموعه‌ای گسترده  
و غنی در زمینه‌های  
درسی و آموزشی،  
اطلاعات عمومی و  
خودسازی فراهم آورد.  
این مجموعه باید به  
صورت مستمر و  
بر اساس سیاست‌های  
مدون کتابخانه،  
رشد و گسترش یابد  
تا کاربران بتوانند  
همواره به منابع تازه  
دسترسی داشته باشند.**

دامن‌گیر جامعه شود؟ پس تکلیف زیر مجموعه رفتارهای انسانی، در جامعه چه می‌شود؟ بعد از بمباران اتمی ژاپن توسط ایالات متحده آمریکا، کشور ژاپن همه تلاش خود را صرف توسعه و گسترش علم و تکنولوژی کرد؛ چنان که امروز می‌بینیم و به موقعیت آن‌ها آگاهی داریم، اما زمینه‌های آموزشی را نیز گسترش داد و همگام با توسعه صنعتی و تکنولوژی، آموزش و تربیت اجتماعی را با به کارگیری بهترین روش‌ها به قشرهای مختلف سنی، خصوصاً کودکان، نوجوانان و ارگان‌ها و سیستم‌هایی که با کودکان و نوجوانان سروکار داشتند، ارائه دادند.

وقتی قریب به دو دهه از بازسازی ژاپن گذشته بود، متخصصان به ضعف سیستم آموزش دهی به کودکان و نوجوانان پی بردند و راهکارهای متعدد و جدیدی را به جامعه، والدین و محیط‌های آموزشی ارائه دادند. والدین، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در کلاس‌های آموزشی یاد گرفتند که اگر چیزی را از فرزند یا نوه خود انتظار دارند، باید به خودشان زحمت آموزش صحیح به آن‌ها را بدهند. به جای این که به کودکان یا نوجوانان مداوم و پی‌درپی بگویند که درس بخوانید و خودشان حمام آفتاب بگیرند، عملاً خودشان شروع به درس خواندن کردند، باسواد شدند و یا به یادگیری در مقاطع تحصیلی بالاتر و دانشگاهی مشغول شدند. کودکان و نوجوانان غیرمستقیم آموزش دیدند و سیستم تحصیلی و آموزشی آن‌ها امروزه چنان گسترش یافته است که روز به روز بر نیروهای متخصص این کشور افزوده می‌شود؛ نیروهای متخصصی که یاد گرفته‌اند و قبول دارند که باید با مسئولیت کامل درقبال جامعه خود حرکت کنند.

آموزش و پرورش در کشور ما می‌تواند والدین را با روش‌ها و سیستم‌های جدید علمی و تخصصی آموزش دهی به فرزندان‌شان آشنا کند و آگاهی لازم را به آن‌ها بدهد. در این صورت، سیاست‌های آموزشی مدارس و آموزشی خانواده‌ها همسو خواهند شد و در نتیجه سیاست کلی جامعه، در برخورد با تحصیل و آموزش در یک مسیر معین قرار می‌گیرد.

در حالی که جزو کشورهای در حال رشد و توسعه به شمار می‌رویم، آموزش و پرورش ما در سطح سنتی قدم برمی‌دارد که برای چنین جامعه‌ای جوابگو نیست. پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژی ناقص جامعه ما، با موقعیت و وضعیت آموزش و پرورش ما همخوانی و همسویی ندارد.

«کتابخانه مدرسه باید اطلاعات و اندیشه‌هایی را دسترس‌پذیر سازد که پایه و اساس عملکرد موفقیت‌آمیز در جامعه اطلاعات‌مدار و دانش‌محور کنونی است. هم‌چنین باید مهارت و ورزیدگی لازم را برای فراگیری مادام‌العمر در دانش‌آموزان و سایر کاربران پرورش دهد، نیروی تخیل خلاق را در آنان تقویت کند و ایشان را برای زیستن در نقش شهروندانی مسئول و متعهد آماده سازد. از آن جا که کتابخانه مدرسه دری برای ورود به جامعه دانش‌محور کنونی محسوب می‌شود، لازم است امکان دسترسی کاربران را به تجهیزات الکترونیکی لازم، وسایل دیداری و شنیداری و پایگاه‌های کامپیوتری فراهم سازد. برخی از این تجهیزات به قرار زیر است: ایستگاه‌های کاری کامپیوتری با امکان دستیابی به اینترنت، بانک‌های اطلاعاتی متناسب با سطوح سنی و تحصیلی مختلف، ضبط و پخش صوت، دیسک‌خوان (گردان)، وسایل اسکن (پوشگر)، دستگاه ویدیو و نمایشگر کامپیوتری ویژه نابینایان و معلولان و چاپگر.»

مدرسه می‌تواند دانش‌آموز را از صورت مفعول به درآورد و به فاعل علم و آموزش تبدیل کند. دانش‌آموزی که تحصیل می‌کند و آموزش می‌بیند، می‌تواند به موقعیتی برسد که خودش را آموزش دهد، اما باید مدرسه و تحصیل این شرایط و امکانات را با روشی تخصصی و با گسترش تأثیر کتاب، کتابخانه و کتابدار متخصص، در روند تحصیلی و آموزشی دانش‌آموزان در فرآیند کلی فکری جامعه بگنجانند و بتوانند روشی اتخاذ کنند که همه قشرهای جامعه، به نوعی با آن همسویی پیدا کنند و در جهت رشد و باروری آن، حرکتی پیاپی در جامعه دیده شود، چنان که به مرور زمان و با تحولات اجتماعی، با تحول، رشد و گسترش مواجه شویم، اما با توقف هرگز.

#### منبع:

استانداردهای کتابخانه‌های مدارس: برگرفته از رهنمودهای ایفلا و یونسکو درباره کتابخانه‌های مدارس، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تألیف شیرین تعاونی